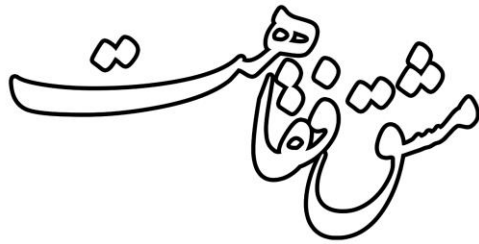


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دوفصلنامہ علمی — تخصصی

سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳



صاحب امتیاز: مدرسه عالی حوزوی ائمہ اطہار علیہ السلام

مدیر مسئول: محمدرضا فاضل کاشانی

سر دبیر: محمدعلی قاسمی

مدیر تحریریه: حامد اسدی



هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

علی اسلامی فر / حامد اسدی / سیدجواد حسینی گرگانی

حامد خادم الذاکرین / احمدرضا خسروی

محمدعلی قاسمی / محمدرضا فاضل کاشانی



مدیر اجرایی: حامد خادم الذاکرین

ویراستار: مهران اسلامی

مترجمان: مجتبی شیخی (انگلیسی) / میثم حسینی (عربی)

طراح جلد: حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا: صفرعلی اخلاقی



نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمہ اطہار علیہ السلام، دفتر دوفصلنامہ مشق فقاهت

تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵ - دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۰۲۵

قیمت: ۷۰۰۰۰۰ ریال





Validation of the Authenticity of Legal Proofs (*ḥujaj*) and Evidences in the Methodology of Comparative Jurisprudence of ‘Allāma al-Ḥillī in *Tadhkirat al-Fuqahā*’

Abdullāh Bahrāmīzād¹

Ḥāmid Khādim al-Dhākerīn²

Abstract

One of the most significant domains of jurisprudential studies is the methodological analysis of the major Shi‘i jurists’ schools of thought. Among these, ‘Allāma al-Ḥillī stands out as one of the most influential Imāmī jurists, whose jurisprudential principles played a crucial role in scholarly dialogue between Shi‘a and other Islamic schools. Accordingly, a rigorous examination of his methods and foundations is indispensable. This study, with a particular emphasis on ‘Allāma al-Ḥillī’s Works—especially his seminal *Tadhkirat al-Fuqahā*’—and by employing the analytical method of *ijtihād*, explores his views and approaches in validating the transmission authenticity of legal proofs (*ḥujaj*) and evidences. In his inferential methodology, unlike certain marginal trends among both Shi‘a and Sunnī circles, the apparent meanings of the Qur’ān are considered one of the primary sources for deriving legal rulings. Criteria such as rational indications, contradiction with the Qur’ān, textual or semantic inconsistency, and the absence of a report within the well-known principles are regarded as key factors that weaken a narration; however, weakness in the chain of transmission alone does not suffice for its rejection. Conversely, elements such as *tawātur* (mass-transmission), *istifāda* (widespread transmission), multiplicity of chains, sound isnād, and conformity with the principles of the Imāmī school are among the



سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

-
1. Researcher and Graduate, Jurisprudence Center of the Infallible Imams (Peace be upon them),
ab.mohammad.1363@gmail.com
 2. Professor of Advanced Seminary Studies, Qom Seminary; University Lecturer; Faculty
Member, Al-Mustafa International University; and Graduate, Jurisprudence Center of the
Infallible Imams (Peace be upon them), hamedkhademi0936@gmail.com

and conformity with the principles of the Imāmī school are among the crucial factors affirming the transmission authenticity of narrations. Consensus, in its various formulations, is also employed as a supplementary proof in the process of deriving legal rulings. Furthermore, recourse to precaution appears in two domains: persuading the audience intellectually and engaging in disputation through what is best.

Undoubtedly, a nuanced understanding of ‘Allāma al- Ḥillī’s jurisprudential foundations in the realm of comparative jurisprudence paves the way for rational engagement with opponents and the avoidance of futile disputes stemming from sectarian bias.

Keywords: ‘Allāma al-Ḥillī, *Tadhkirat al-Fuqahā*’, methodology of *ijtihād*, comparative jurisprudence, validation of transmission authenticity.





دوفصلنامه علمی - تخصصی
سال دوم، شماره سوم (بهار و تابستان ۱۴۰۳)
تاریخ ارسال، ۱۴۰۳/۰۴/۲۵
تاریخ پذیرش، ۱۴۰۳/۰۵/۲۲

اعتبار سنجی صدور حج و ادله شرعی در روش اجتهادی فقه مقارن علامه حلی در کتاب «تذکره الفقهاء»

عبدالله بهرامی زاد^۱

حامد خادم الذاکرین^۲

چکیده

یکی از مهم‌ترین ساحت‌های مطالعات فقهی، روش‌شناسی مکاتب فقهی فقهای برجسته شیعه است. علامه حلی از جمله فقهای تأثیرگذار امامیه به‌شمار می‌رود که مبانی فقهی وی در تعامل با مخالفان، نقش بسزایی در گفتمان علمی میان شیعه و دیگر مذاهب اسلامی داشته است؛ از این رو، بررسی دقیق روش‌ها و مبانی فقهی او ضرورتی انکارناپذیر دارد. این پژوهش با تأکید بر آثار علامه حلی، به‌ویژه اثر برجسته‌ی او «تذکره الفقهاء»، و با بهره‌گیری از روش تحلیل اجتهادی، به واکاوی دیدگاه‌ها و مناهج وی در اعتبارسنجی صدور حج و ادله شرعی می‌پردازد. در روش استنباطی علامه، برخلاف برخی جریان‌های حاشیه‌ای در میان شیعه و اهل سنت، ظواهر قرآن از منابع اصلی کشف حکم شرعی به‌شمار می‌رود. معیارهایی همچون قرائن عقلی، مخالفت با قرآن، اضطراب متنی و دلالتی، و نبود روایت در اصول مشهوره، از مهم‌ترین اسباب تضعیف روایت قلمداد می‌شوند؛ و تضعیف سند، به‌تنهایی موجب ردّ روایت نیست. در مقابل، عناصری مانند تواتر، استفاضه، تعدّد طرق، سند صحیح، و موافقت با اصول مذهب، از جمله عوامل مهم در کشف حجّیت صدور

۱. پژوهشگر و دانش‌آموخته مرکز فقهی ائمه اطهار (ع). ab.mohammad.1363@gmail.com

۲. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و استاد دانشگاه و جامعه المصطفی العالمیه و دانش‌آموخته مرکز فقهی ائمه اطهار (ع). hamedkhademi0936@gmail.com

روایات محسوب می‌گردند. اجماع نیز با بیان‌های گوناگون، به‌عنوان دلیلی تکمیلی برای کشف حکم شرعی مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین استناد به احتیاط، در دو ساحت اقناع ذهن مخاطب و جدال احسن، در فقه مقارن علامه حلی نمود یافته است. بی‌تردید، شناخت مبانی فقهی علامه در عرصه فقه مقارن، زمینه تعامل منطقی با مخالفان و پرهیز از نزاع‌های بی‌ثمر ناشی از تعصب را فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی: علامه حلی، تذکره الفقهاء، روش‌شناسی اجتهاد، فقه مقارن، اعتبار سنجی صدور

بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین ساحت‌های فقه اجتهادی، «فقه مقارن» است که از دیرباز مورد توجه فقهای امامیه قرار داشته است. «علامه حلی» یکی از مهم‌ترین آثار فقهی خود، یعنی «تذکره الفقهاء» را به این موضوع اختصاص داده است.

توجه به جایگاه ممتاز علامه حلی، ضرورت بررسی نوع و روش استنباط او را روشن می‌سازد؛ چراکه وی در آثار متعدد کلامی، اصولی و فقهی خود، به آراء و اقوال مخالفان امامیه توجه ویژه داشته و همواره مبانی فکری آنان را نقد می‌کرده است. «تذکره الفقهاء» یکی از مهم‌ترین آثاری است که در آن، با شیوه‌ای نو و دقیق، مبانی اجتهادی مذاهب فقهی مخالف مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

تأثیرگذاری گسترده علامه حلی در حوزه‌های کلام، اصول و فقه شیعه از یک‌سو، و اهمیت رویکرد ویژه او در تعامل با اهل سنت از سوی دیگر، ضرورت توجه به مبانی و شیوه‌های استنباطی وی در نقد مخالفان امامیه را دوچندان می‌سازد. بر این اساس، هدف این پژوهش، تبیین و واکاوی روش‌شناسی اجتهادی فقه مقارن در اندیشه فقهی علامه حلی است.

برای تبیین این مسئله، ابتدا باید مشخص شود که روش اجتهادی علامه حلی در «تذکره الفقهاء» نسبت به اعتبارسنجی حجج و ادله استنباط حکم شرعی - شامل ادله لفظی و غیرلفظی - چگونه است؟ چه منابعی از نظر وی می‌توانند مستند حکم شرعی قرار گیرند؟ در نگاه فریقین، چه قرائنی می‌توانند موجب تقویت یا تضعیف



اعتبار صدورى يك روايت شوند؟ آيا تنافى با حقايق تاريخى، نبود روايت در اصول مشهوره حدیثی، و اضطراب يا اختلاف در الفاظ حدیث، از عوامل تضعیف صدور روايت محسوب مى شوند؟ آيا صرف تضعیف سند و وجود راويان داراي جرح رجالی، مهم ترین عامل در تضعیف صدورى احادیث است يا اينكه ملاک اصلى، عنصر ديگرى همچون عمل يا اعراض فقهای اماميه است كه بايد مورد توجه قرار گیرد؟ روش های توثيق و كشف اعتبار در دیدگاه علامه حلی چه تفاوتی با دیگر فقها داشته است؟ اجماع چه بیان هایی در ادبیات فقهی داشته است آيا تفاوت در بیان های اجماع در میزان اعتبار آن اثری دارد؟ اجتهاد مبتنی بر عقل در مبانی فقهی علامه حلی چه تفاوتی با دیگر جریان های اصیل فقهی مذاهب اسلامى داشته است؟ در روش علامه، آيا تفاوتی میان عقل مبتنی بر قطعيات و عقل ظن محور وجود دارد؟ کاربست استدلال به احتیاط در روش علامه حلی آيا به عنوان مدرک اصلى است يا تکمیلی؟



سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

توجه به این پرسش ها مى تواند زمینه ای فراهم آورد تا با الگوبردارى از شیوه علامه حلی، راهی برای فهم و نقد صحیح مبانی اجتهادى مخالفان فراهم شود و در نتیجه، گامی مؤثر در جهت تقریب علمى و منطقى میان مذاهب اسلامى برداشته شود. شایان ذکر است كه به دليل گستردگی موضوع كتاب «تذكرة الفقهاء» و نیز اهمیت بیشتر مباحث عبادى نسبت به معاملات در حوزه فقه مقارن، عمده مطالعات این پژوهش، معطوف به بخش عبادات این اثر خواهد بود. بررسی های صورت گرفته نشان مى دهد كه مسئله مورد بحث، تاكنون فاقد پیشینه پژوهشى مستقل بوده است.

در این نوشتار، تأکید اصلى بر واکاوى نوع تعامل علامه حلی با حجج و ادله استنباط احكام شرعى است. ادله شرعى به طور کلی به دو دسته لفظى و غیر لفظى تقسیم مى شوند؛ ادله لفظى شامل قرآن و سنت، و ادله غیر لفظى شامل اجماع، عقل و احتیاط است. در ادامه مقاله، دیدگاه های علامه حلی درباره هر يك از این منابع، به تفصیل بررسی خواهد شد.

حجج و ادله استنباط حکم شرعی و اعتبار سنجی آنها

یکی از مهم‌ترین مبانی اجتهادی یک فقیه، شناخت حجج و ادله‌ای است که نزد او در استنباط حکم شرعی از حجیت برخوردارند؛ این مسئله سهم عمده‌ای در تعیین روش اجتهادی فقیه ایفا می‌کند. در یک تقسیم‌بندی کلان، می‌توان حجج شرعی مورد نظر را به دو دسته کلی «ادله لفظی» و «ادله غیر لفظی» تقسیم نمود. در ادامه، با اشاره به هر یک از این ادله، به تبیین مبنای علامه حلی در قبال آنها و نیز روش کاربردی او در استفاده از این ادله در فرآیند استنباط، پرداخته می‌شود.

۱. ادله لفظی

با بررسی‌های صورت گرفته، روشن می‌شود که مهم‌ترین ادله لفظی مورد توجه علامه حلی در تذکره الفقهاء، شامل سه منبع اساسی است: قرآن کریم، سنت، و نیز آثار و اقوال صحابه.

۱-۱. قرآن کریم



بی‌تردید، قرآن کریم مهم‌ترین دلیل لفظی در میان ادله و حجج شرعی به شمار می‌آید. در مبانی اجتهادی علامه حلی، برخلاف شیوه حشویه، اهمال در کلام و تصوّر قصد کلامی بدون معنای مشخص از سوی خداوند متعال یا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به دلیل استحاله نقص بر ذات باری تعالی، امری محال و ممتنع تلقی می‌شود (علامه حلی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۳۴۰).

سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

بر همین اساس، برخلاف نظر مرجئه، علامه حلی تعارض میان مراد استعمالی و مراد جدی را بدون وجود قرینه صارفه مقبول نزد عرف، غیرممکن می‌داند (همان، ج ۱، ص ۳۴۲).

هرچند در دوره‌های فقهی پس از علامه، به‌ویژه در زمانه اخباریون، تمسک به ظواهر قرآن در استنباط احکام فقهی فرعی با تشکیکاتی جدی روبه‌رو شد (نائینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۹۱)، اما در روش اجتهادی علامه حلی، استناد به ظاهر قرآن در فرآیند استنباط، نه تنها با مانعی مواجه نیست، بلکه با کاربردهای گسترده‌ای همراه بوده است.

- از جمله نمونه‌های مهم در آثار وی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- وجوب نماز جمعه (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۷)؛
 - حرمت خرید و فروش پس از اذان جمعه (همان، ج ۴، ص ۱۰۷)؛
 - دلالت آیات بر استحباب صدقه مستحبی در همه زمان‌ها (همان، ج ۵، ص ۴۰۳)؛
 - عدم وجوب شستن تمام صورت در وضو (همان، ج ۲، ص ۱۹۰)؛
 - قاعده «جَب» و عدم وجوب قضا بر کافری که پس از وقت نماز مسلمان شده است (همان، ج ۲، ص ۳۲۸).

۱-۲. سنت و روش‌های اعتبار سنجی آن

پس از قرآن کریم، سنت معصومان علیهم‌السلام در نگاه علامه حلی، مهم‌ترین دلیل برای کشف حکم شرعی به شمار می‌آید. تعریف سنت در دیدگاه علامه حلی در «تذكرة الفقهاء» روشن و دقیق است، اما آنچه در مقام پژوهش حائز اهمیت است، بررسی روش‌های اعتبارسنجی آن در چارچوب فقه مقارن و در مواجهه با دیدگاه‌های مخالفان امامیه است.



سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

در ادامه این نوشتار، ابتدا به قرائنی اشاره می‌شود که علامه حلی از طریق آن‌ها به توثیق یا تضعیف صدورى روایات می‌پردازد.

با واکاوی شیوه اجتهادی علامه حلی، روشن می‌گردد که مبنای وی در حجیت خبر واحد، حصول وثوق به صدور روایت است؛ این وثوق از راه مجموعه‌ای از قرائن متعدد عقلایی حاصل می‌شود. بدین معنا که اعتبار روایت، منحصر در صحت سند آن نیست، بلکه ثبوت صدورى روایت بر پایه قرائن عقلایی استوار است؛ قرائنی که فقیه را به مرحله اطمینان عقلایی می‌رسانند. به علاوه، تضعیف صدورى روایت نیز صرفاً به ضعف سند محدود نمی‌شود، بلکه هر عامل عقلایی که موجب تردید در انتساب روایت به منبع اصلی آن گردد، می‌تواند در زمره اسباب تضعیف صدورى قرار گیرد.

۱-۲-۱. قرائن تضعیف صدورى

قرائن تضعیف یک دلیل لفظی در حوزه روایات، مجموعه‌ای از عوامل عقلایی است

که در فرآیند ارزیابی صدوری روایت توسط فقیه، نقش کلیدی ایفا می‌کند و در روش اجتهادی علامه حلی، صرف ضعف سند برای تضعیف روایت کافی نیست. مهم‌ترین این قرائن عبارت‌اند از: وجود قرائن عقلی معارض با صدور روایت، اختلاف مدلولی و تعارض میان دو سند، ناسازگاری با روش عقلایی در قانون‌گذاری، مخالفت با مفاد صریح یا قطعی قرآن، مخالفت با حقایق مسلم تاریخی، نبود روایت در منابع اصولی معتبر و مشهور، فقدان روایت منسوب به راوی در کتابی که به او نسبت داده شده، اضطراب و اختلاف در الفاظ و معانی حدیث، ضعف سند بر اساس مبانی رجالی، و نیز اعراض عملی فقهای امامیه از عمل به روایت. در ادامه پژوهش، هر یک از این قرائن و نقش آن‌ها در تضعیف حجیت روایات از منظر علامه حلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. قرائن تضعیف عقلی

یکی از قرائن مهم تضعیف صدوری روایت در «تذکره الفقهاء»، قرائن تضعیف عقلی است. در روش اجتهادی علامه حلی، هر روایتی که مخالف حسّ، وجدان و بدهت قطعی باشد، کذب و غیرمعتبر شناخته می‌شود (علامه حلی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۳۴۵). به عنوان مثال، در بحث «اذان» که برخی مخالفان منبع تشریع آن را خواب برخی صحابه معرفی کرده‌اند، علامه می‌نویسد:

و كيف يصحّ استناد هذه العبادة الشريفة العامة البلوى المؤيدة الموضوعه علامة على أشرف العبادات وأهمّها الى منام من يجوز عليه الغلط؟! و النبي ﷺ لم يلق عليه ولا على أجلاء الصحابة؟ (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۹).

بدین ترتیب، علامه علاوه بر استدلال عقلی به لزوم عصمت شارع و قانون‌گذار، به عدم شایستگی منبع قانون بودن فردی که احتمال خطا در قول و فعلش می‌رود، اشاره کرده و با تأکید بر اهمیت فوق‌العاده اذان در عبادات اسلامی، ذهن مخاطب را اقناع می‌کند. همچنین در دیدگاه او، منبع مذکور نه تنها از حیث شخصیت در سطح صحابه عالم نبوده، بلکه خود در خواب بوده است؛ نکته‌ای که تأثیر قابل توجهی در اقناع عقلی مخاطب دارد. به عبارتی، علامه در نقد استناد مخالفان به خواب یک صحابه برای مشروعیت اذان، بر عقل فطری و لوازم آن تکیه کرده و با طرح اهمیت



اذان و ویژگی‌های شخصیتی صحابه یاد شده، استدلال خود را با مبانی کلامی شیعه در لزوم عصمت معصومین علیهم‌السلام همراه کرده است.

نمونه دیگر، موضوع «سهو نبی» در نماز است؛ روایاتی که از طریق ابوهریره، ابوسعید خدری و دیگران نقل شده و در آن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در نماز عشاء در رکعت دوم به جای تشهد، سلام داده و دو سجده اضافه انجام داده‌اند، توسط علامه حلی به‌خاطر تعارض با ادله قطعی عصمت انبیاء از سهو و نسیان، رد شده و به‌عنوان دلیل قابل استناد برای کشف حکم شرعی پذیرفته نمی‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۵۶).

۲. اختلاف مضمونی روایات در یک موضوع

یکی دیگر از قرائن تضعیف صدور روایات، اختلاف مضمونی میان آنهاست. برای نمونه، علامه حلی برخلاف برخی حشویه که با استناد به روایاتی معتقدند ماه شعبان همیشه سی روز است - روایاتی که در منابع فریقین نیز آمده - این گفته را در تعارض با روایات مشهور و متواتر دیگر می‌بیند که دلالت دارند ماه شعبان کمتر از سی روز است و بر همین اساس، آن روایات را فاقد اعتبار و حجیت می‌داند (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۳۸). همچنین، برخی روایات که مدلولشان تعلق زکات به همه حبوبات است، با روایاتی که صراحتاً اعلام می‌کنند حبوبات زکات ندارد، در تعارض قرار دارند؛ این تعارض باعث می‌شود فتوای برخی فقهای اهل سنت مبنی بر تعلق زکات به حبوبات بر اساس آن روایات، بی‌اعتبار شود (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۷۴). علاوه بر این، روایاتی که وجوب اذان و اقامه را اثبات می‌کنند با روایاتی معارض هستند که امام علیه‌السلام، نماز بدون اذان و اقامه فاقد اشکال دانسته است؛ علامه در این زمینه با جمع عرفی میان این دو دسته روایات، روایات نخست را حمل بر استحباب می‌کند (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۷۶).

۳. تناقض در روش قانون‌گذاری عقلایی

یکی دیگر از اسباب تضعیف صدور روایات، تناقض در روش و شیوه قانون‌گذاری است. عقلای قانون‌گذار به گونه‌ای عمل می‌کنند که موجب مفسده یا شک مکلفین در اصل وجود قانون نشود. برای مثال، اگر قانونی تصویب شود و پیش



از ابلاغ یا اجرای آن نسخ گردد، این موضوع با مصلحت ملزمه‌ای که باعث تصویب قانون شده در تناقض است و در صورتی که مصلحتی در موضوع قانون یا امر شارع وجود نداشته باشد، امر به آن خلاف مصلحت است و نشان‌دهنده عدم حکمت و تناقض در روش قانون‌گذار می‌باشد. علامه حلی در مواجهه با روایاتی که دلالت بر دستور پیامبر ﷺ به استفاده از ناقوس برای اعلام وقت نماز دارند، می‌نویسد:

کیف أمر بالناقوس ثم رجع عنه؟! إن كان الأمر به مصلحة استحالة نسخه قبل فعله و إلا استحالة أمره به» (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۹).

بر این اساس، علامه آن روایاتی را که حکایت از دستور اولیه پیامبر به استفاده از ناقوس و سپس عدول از آن دارند، به دلیل تناقض در شیوه قانون‌گذاری حکیمانه شارع نقد کرده و در اعتبار صدور آنها تردید می‌کند.

۴. مخالفت و تنافی با قرآن

تنافی عرفی مضمون یک روایت با آیات قرآن، یکی دیگر از اسباب تضعیف و بی‌اعتباری روایت در دیدگاه علامه حلی است. علامه در نقد روایتی از ابوهریره که جهاد با کفار را در هر شرایطی، حتی در زمان وجود امام فاسق یا ظالم، واجب می‌داند و برخی فقهای اهل سنت نیز بر اساس آن فتوا داده‌اند، این روایت را مخالف آیه «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» (هود: ۱۱۳) دانسته و از حجیت ساقط می‌کند (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۹).



سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

همچنین روایاتی که تجویز استفاده از ناقوس برای آگاهی مردم به وقت نماز را مطرح می‌کنند، به دلیل تنافی با آیه «لَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۳ و ۴) باطل شناخته شده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۹). از دیگر موارد مخالفت علامه با دیدگاه‌های فقهای اهل سنت، مسئله وجوب کفاره بر محرمی است که از روی خطا و نسیان مرتکب قتل شده است، زیرا این دیدگاه با ظاهر آیه «لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِه» (مائده: ۹۵) که دلالت بر وجود عقاب برای قتل عمد دارد، منافات دارد (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۴۵۵).

به طور کلی، مخالفت روایت با محکومات قرآنی یکی از قرائن مهم تضعیف و بی‌اعتباری روایت است و اگر ظاهر و متن روایت به گونه‌ای باشد که تأویل آن

ممکن نباشد، روایت نامعتبر و ساختگی قلمداد می‌شود (علامه حلی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۳۴۵).

۵. مخالفت با حقایق تاریخی

مخالفت با حقایق تاریخی، یکی دیگر از اسباب تضعیف صدور روایت در دیدگاه علامه حلی است. ایشان در مواجهه با دیدگاه ابوحنیفه که بر عدم وجوب غسل برای کشته‌شدگان با شمشیر، با قیاس به شهدای معركة جنگ، حکم می‌دهد، به واقعیت‌های تاریخی مسلم استناد می‌کند. علامه به‌صراحت به غسل داده‌شدن امیرالمؤمنین علی علیه السلام و عمر بن خطاب اشاره می‌کند؛ درحالی‌که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به شهادت رسیده و خلیفه دوم نیز بر اساس گمان یا نظر اهل سنت بر اساس گزارش‌های تاریخی معتبر، با شمشیر یا آلت حدید شهید شده است، اما با این حال برای آن‌ها غسل میت انجام شده است. این واقعیت تاریخی از نظر علامه دلیلی روشن بر بطلان دیدگاه فقهی مخالف است، زیرا اگر ادعای آنان درست بود، نباید برای این افراد غسل صورت می‌گرفت (امیرالمؤمنین علی علیه السلام حلی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۷۹). این استناد تاریخی در دستگاه اجتهادی علامه نه تنها به‌منزله نقض روایات یا دیدگاه‌های فقهی ناصحیح است، بلکه روشی عقلایی برای بررسی صدق یا کذب مدعیات فقهی بر پایه داده‌های مسلم تاریخی به شمار می‌رود.



سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

۶. نبود روایت در اصول مشهوره

یکی از تفاوت‌های بنیادین میان تاریخ حدیث امامیه و اهل سنت، پیوستگی مستمر و بی‌انقطاع نقل و ثبت حدیث در مکتب اهل بیت علیهم السلام است؛ درحالی‌که در سنت حدیثی اهل سنت، به‌ویژه پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، جریانی منسجم برای منع تدوین حدیث شکل گرفت. این جریان، که به تأسی از سیاست‌های حاکمان وقت و با توجیهاتی همچون جلوگیری از اختلاط حدیث با قرآن و نیز الگوبرداری از سنت اهل کتاب دنبال می‌شد، تا زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز ادامه یافت. در نتیجه، این انقطاع تاریخی منجر به فقدان گسترده میراث مکتوب حدیثی در برهه نخستین تاریخ حدیث میان اهل سنت شد.

در نقطه مقابل، اهل بیت علیهم السلام با تأکید فراوان بر حفظ، نگارش و ترویج احادیث، بستری فراهم کردند که در آن صدها اثر حدیثی مکتوب پدید آمد. مروری بر کتاب رجال نجاشی نشان می‌دهد که اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام با اهتمام ویژه، اصول و مجموعه‌های حدیثی را تدوین می‌کردند. همین استمرار در کتابت حدیث سبب شد تا یکی از قرائن وثوق به صدور روایت در مکتب امامیه، وجود آن روایت در این اصول معتبر و مشهوره باشد. بالعکس، اگر روایتی در این منابع شایع و معتبر یافت نشود، به عنوان روایت شاذ تلقی شده و این امر از منظر اجتهادی علامه حلی، می‌تواند یکی از قرائن تضعیف صدورى آن باشد.

برای نمونه، در مسئله تعداد روزهای ماه شعبان، برخی روایات بر این دلالت دارند که این ماه همواره سی روز است. علامه حلی در نقد این روایت، به نبود آن در اصول حدیثی مشهوره امامیه استناد می‌کند و آن را یکی از دلایل تضعیف اعتبار صدورى روایت می‌داند. افزون بر این، اگر روایتی از راوی مشخصی نقل شده باشد اما در کتابی که به او منسوب است یافت نشود، این عدم تطابق نیز از نگاه علامه از اسباب تضعیف محسوب می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۳۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۲۴۲؛ شیخ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۶). این شیوه ارزیابی دقیق، نشانگر رویکرد عقلانی و منظم علامه حلی در نقد سندی و صدورى روایات، و نیز توجه ویژه او به جایگاه و ساختار تاریخ حدیث امامیه است.



سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

۷. اضطراب و اختلاف در الفاظ و معانی

یکی از اسباب داخلی مهم در تضعیف صدورى روایات، «اختلاف و اضطراب در الفاظ و معانی روایت» است. از نگاه علامه حلی، اگر در متن یک روایت تناقض‌ها، نوسانات و اعوجاج‌هایی در الفاظ یا محتوا مشاهده شود، به گونه‌ای که نتوان جمع عرفی قابل قبولی میان آن‌ها برقرار کرد، این وضعیّت باعث سلب اطمینان عقلایی نسبت به صدور روایت از معصوم می‌شود. به عبارت دیگر، اضطراب در نقل روایت نشان از ضعف در فرآیند انتقال آن داشته و موجب فروپاشی اعتبار صدورى روایت می‌گردد.

برای نمونه، در مورد روایتی که بر «دائمی بودن سی روزه ماه شعبان» دلالت دارد، گاه این روایت به صراحت از معصوم نقل شده، گاه راوی خود آن را به صورت فتوا اظهار داشته بی آن که آن را به امام نسبت دهد، و در مواردی نیز روایت با واسطه یا بی واسطه از امام نقل شده است. علامه حلی با دقت در این تفاوت های شکلی و مضمونی، این روایت را دچار اضطراب و آشفتگی صدوری می داند و آن را در برابر روایات مشهور، قطعی الصدور و متواتر فاقد قدرت معارضه می شمارد (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۳۹).

نمونه دیگر، در موضوع «تشریع اذان» است؛ برخی روایات اهل سنت این امر را ناشی از خواب عبدالله بن زید می دانند. اما اختلافی که در منابع روایی وجود دارد - گاه گفته می شود او به دستور پیامبر خواب خود را به بلال آموزش داد و بلال اولین بار اذان گفت، و گاه بیان می شود که خود عبدالله اولین اذان را گفت - از نظر علامه نشان دهنده ی اضطراب در متن روایت و در نتیجه موجب سلب اعتبار صدوری آن است (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۸).



سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

بنابراین، علامه حلی با توجه به اصول عقلایی و استدلال های دقیق حدیث شناسانه، اضطراب لفظی و معنایی را یکی از معیارهای جدی در ارزیابی و تضعیف روایات می داند و بر اساس آن، نسبت به پذیرش یا ردّ حجّیت یک حدیث تصمیم می گیرد.

۸. تضعیف سندی روایت به دلیل ضعیف بودن راویان آن در نقد قول مخالف از اهل سنت (توجه به جایگاه سند در روایت)

سند در دیدگاه مخالفین به مثابه نردبانی است که محدّث را به حکم شرعی رهنمون می کند، لذا سند به مثابه دین آن ها تلقی شده است. در مقابل، در روش مشهور امامیه سند یک روایت تنها یکی از قرائن مهم کشف روایت محسوب می شود و از ارزش اثباتی کمتری نسبت به مبانی مخالفین برخوردار است. در روش امامیه این گونه نیست که با صرف خدشه در یک راوی، کل صدور روایت مخدوش شود؛ ولی نزد مخالفین جرح و تعدیل رجالی، کلید اثبات صدوری روایت است.

در روش اجتهادی علامه حلی در «تذکره» موارد متعددی یافت می‌شود که با استناد به جرح رجالی برخی از راویان حدیث، صدور روایت، خصوصاً در نزد اهل سنت، تضعیف شده است که این خود نشان از احاطه علمی علامه حلی به مبانی حدیثی و رجالی مخالفین دارد.

برای مثال، یکی از مبانی فقهی احناف، جواز اجتماع اسباب متفاوت در زکات است. علامه حلی، اشاره به وجود یحیی بن عنبسه در اسناد روایت مورد استناد آنها برای کشف این حکم شرعی می‌کند و اعتبار روایت را زیر سؤال می‌برد (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۵۵). از دیدگاه ازدی، دارقطنی، یحیی بن عنبسه کذاب است. ابن حبان نیز او را دجال و وضّاع می‌داند و ابن عدی جرجانی او را کسی معرفی می‌کند که از زبان راویان ثقه حدیث جعل می‌کند (ابن جوزی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۲۰۱ و ابن عدی جرجانی، ۱۴۱۸، ج ۷، ص ۲۵۴).

همچنین علامه روایت دالّ بر جواز مکیدن زبان زوجه از سوی زوج در زمان روزه را، که مستند به تضعیف ابو داود سجستانی-صاحب سنن ابوداود و از محدّثین بزرگ اهل سنت - است، بی اعتبار دانسته است (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۶۵). علاوه بر این، علامه تمسّک به روایات دالّ بر وجوب توجّه به عین و بنای کعبه برای نمازگزاران قریب و بعید، از سوی برخی فقهای اهل سنت را به دلیل عدم وثوق به راویان آنها نمی‌پذیرد (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۸).



سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

۹. اعراض از عمل به روایت

یکی از علل تضعیف صدور روایت نزد شیعه و اهل سنت، اعراض فقها از عمل به مضمون یک روایت است. این سبب تضعیف نزد فقهای شیعه و در روش علامه حلی در «تذکره» نسبت به اهل سنت از قدرت تضعیف بیشتری برخوردار است. اگر حدیثی در کتب روایی معتبر شیعه موجود باشد ولی فقهای نزدیک به عصر معصومین به مضمون آن هیچ اعتنایی نکرده باشند، به دلیل حساسیت شدید و آگاهی آنها به فضای نزول حدیث، این گویاترین دلیل بر عدم حجّیت صدور آن روایت است.

در این باره، قاعده مشهور در اصول و فقه شیعه آن است که «کَلَمَا ازداد صَحَّةَ ازداد وهنًا»؛ یعنی هرچقدر سند و طریق یک روایت از صحت و قوت برخوردار باشد، اگر مورد اعراض اصحاب قرار گرفت، به همان اندازه بی اعتبارتر و سست تر می شود.

زیرا از حیث عقلایی اگر یکی از خدمه مولا، مدعی خبری از او باشد، در صورتی که خواص و نزدیکان مولا - که از احوال او شناخت کامل دارند - به آن خبر اعتنایی نکنند، به ادعای آن فرد هیچ اعتنایی نمی شود. در بحث ما نیز به دلیل آگاهی قدمای اصحاب اعم از محدثین و فقها از قرائن حالی و مقامی و فضای نزول روایات، به دلیل نزدیکی به عصر معصومین علیهم السلام و حساسیت شدید آن ها نسبت به اعتبار روایات، اگر روایتی نزد آن ها بوده ولی هیچ اعتنا و عمل به آن نشده باشد، این بهترین دلیل بر بی اعتباری آن روایت است.

برای مثال، در مسئله طهارت فضله ما لا یوکل لحمه از پرندگان، علامه روایت شیخ طوسی در «المبسوط» را به دلیل عدم عمل به مضمون آن تضعیف صدور کرده و آن را بی اعتبار تلقی می کند (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۹). همچنین در مسئله حرمت صدقه بر فرزندان، علامه روایت امام صادق علیه السلام را به دلیل ترک عمل بدان از سوی اکثر اصحاب بی اعتبار می داند (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۷۳).

۲-۱-۲. روش های توثیق و کشف اعتبار

روش دیگر اعتبارسنجی ادله روایی، روش توثیق و کشف اعتبار صدور یک روایت است. در روش اجتهادی علامه حلی هر روایتی که به دلیل وجود قرائن صدق، علم و اطمینان به صدور آن داشته باشیم، قابل اخذ در کشف حکم شرعی است (علامه حلی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۳۳۸). مراجعه به آثار علامه حلی، به ویژه «تذکره الفقهاء»، نشان می دهد که این فقیه بزرگ از اسباب زیر برای رسیدن به اطمینان و وثوق به صدور روایت استفاده می کند:

الف) تواتر: یکی از مهم ترین اسباب رسیدن به اطمینان و قطع صدور یک روایت، تواتر آن است. برای مثال، در مسئله مسح کشیدن با باقی مانده تری و



رطوبت دست در وضو، علامه حلی مستند به روایاتی که صدور آنها نزد او از طرق اهل بیت علیهم السلام متواتر است، قول شافعی، ابوحنیفه، مالک و یکی از اقوال احمد را که مستند به روایتی از حضرت علی علیه السلام قائل به جواز استفاده از آب جدید خارج از وضو هستند، نقد و نمی‌پذیرد (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۶۵).

ب) سند معتبر و صحیح: یکی دیگر از قرائن وثوق به صدور روایت در نزد علامه، سند و طریق صحیح است. برای مثال، در بحث منع صدقه دادن مالی که دسترسی به مالک یا ورثه مالک وجود ندارد، علامه با تمسک به روایتی که تصریح به صحت سندی آن می‌کند، آن را ممنوع می‌داند (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۱۷).

ج) اصول مشهوره و کتب معتبر نزد اصحاب امامیه: وجود روایت در اصول مشهور مصنفه اصحاب امامیه و در کتاب خود راوی از قرائن دیگر اعتبار صدور روایت است. (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۳۹) این قرینه جایی اهمیت پیدا می‌کند که در تاریخ حدیث اهل سنت شاهد منع نقل و کتابت حدیث از سوی خلیفه اول و دوم تا زمان عمر بن عبدالعزیز هستیم. این امر موجب شده است تا جایگاه تضعیفات رجالی مبتنی بر نقل شفاهی روایت، همچون صدق و کذب، تدلیس و عدم تدلیس، منکر الحدیث بودن و نبودن، اختلاط و عدم آن در اعتباربخشی به روایت، اهمیت زیادی پیدا کند؛ در حالی که با وجود کتاب مشهور و معتبر که نقل کتبی و مستقیم از معصوم علیه السلام در آن وجود دارد، این مباحث و جرح‌های رجالی اهمیت کمتری دارند.

د) تحلیل صدور روایت در بستر شکل‌گیری آن: یکی دیگر از قرائن وثوق به صدور روایت، تحلیل بستر تاریخی زمان صدور و نقل روایت در صدر اسلام است. بقای نقل یک روایت با وجود دواعی بسیار زیاد برای ابطال آن، از دیدگاه عقلایی نشان از وجود وصحت آن حدیث دارد. برای مثال، فضائل و ادله حقانیت سیاسی اهل بیت علیهم السلام در زمان صدر اسلام و به‌ویژه در دوران بنی‌امیه، دواعی و انگیزه‌های زیادی مالی و سیاسی برای عدم نشر آن، همچنین ترس و اختناق بسیار شدید ضد شیعیان وجود داشت، ولی با این حال برخی از روایات مرتبط با آن در منابع روایی اهل سنت باقی مانده که صرف همین امر دلیل بر صحت صدور آن است (علامه حلی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۳۴۱).



۱-۳. آثار و اقوال صحابه

با بررسی‌های صورت گرفته روشن می‌شود که در روش اجتهادی علامه حلی، اقوال و روایات صحابه فی نفسه فاقد حجیت شرعی است، مگر آنکه به کمک قرائن و شواهد دیگر، کشف قطعی و اطمینانی از سنت نماید. برای مثال، روایت سمره بن جندب از رسول خدا ﷺ که فرمود: «علی الید ما أخذت حتی تؤدیه» (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۳۲ و ج ۱۶، ص ۲۷۳) در هیچ یک از منابع روایی اصیل شیعه وجود ندارد و تنها در منابع اهل سنت، همانند «مستدرک علی الصحیحین» حاکم نیشابوری (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۵۵)، «مسند احمد بن حنبل» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۰، ج ۳۳، ص ۲۷۷) و «سنن بیهقی» (بیهقی، ج ۶، ۱۴۱۴، ص ۱۰۰) نقل شده است. این روایت از دیدگاه سندی نزد اهل سنت معتبر است. (احمد بن حنبل، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۲) این روایت به دلیل عمل مشهور و وجود قرائن صدق در دیدگاه علامه معتبر بوده و در موارد متعددی بدان استناد شده است.



سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

همچنین روایت انس از پیامبر خدا ﷺ که فرمود: «لا یحل مال امرئ مسلم إلا بطیب نفسه» (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۶۰) در موارد متعددی مورد استناد علامه در «تذکره» قرار گرفته است. این روایت نیز در هیچ منبع اصیل روایی شیعی ذکر نشده است، ولی مراجعه به منابع اهل سنت نشان می‌دهد که در آحاد و مثانی (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۶۸)، «سنن دارقطنی» (دارقطنی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۶)، «مسند ابویعلی موصلی» (ابویعلی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۴۰) و دیگر منابع تخریج شده است. در روش علامه حلی، نقد مبانی فقهی مخالفین با استناد به ادله روایی خاصه در منابع روایی معتبر شیعه (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۵۸، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳ و ۲۰۳) و ادله روایی عامه در منابع معتبر اهل سنت (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۱۲ و ۱۱۳) کاملاً تفکیک شده است. البته شایان ذکر است که علامه در موارد متعددی به جهت قاعده الزام و اقتضای «جدال احسن»، به روایات صحابه به عنوان مؤید و دلیل تکمیلی قول امامیه استناد نموده است؛ از جمله در رفع کراهت خوردن، آشامیدن و خوابیدن برای جنب، با مضمضه، استنشاق و وضو (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۴۲) و جواز به همراه بردن منبر در نماز استسقاء (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۰۷) با استناد به روایت عایشه.

باید توجه داشت که در روش اجتهادی علامه حلی، برخلاف جمهور اهل سنت که معتقد به عدالت صحابه بوده و هر نوع احتمال تعدد در کذب یا جرح رجالی را در باره آنان جایز نمی‌دانند (سخاوی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۰؛ خطیب بغدادی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۶؛ سخاوی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۰۸)، اخبار صحابه به دلیل وجود افراد دروغ‌گو و مجروح پذیرفته نمی‌شود. برای مثال، احادیث ابوهریره را به دلیل متهم بودن او به دروغ‌گویی نمی‌پذیرد (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۹).

۲. ادله غیرلفظی

در روش اجتهادی علامه حلی در تذکره، ادله غیرلفظی که برای کشف حکم شرعی به آن‌ها استدلال می‌شود شامل اجماع، عقل قطعی، احتیاط، سیره عقلا، شهرت، استحسان و قیاس است که در ادامه، نوع تعامل علامه حلی با این ادله بررسی می‌گردد:

۲-۱. اجماع و بیان‌های آن

اجماع یکی از مهم‌ترین ادله‌ای است که علامه حلی بدان استناد می‌کند. این دلیل غیرلفظی در تذکره به بیان‌های متفاوتی مطرح شده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

اجماع همه مسلمین: برای مثال علامه در بحث استحباب اقامه نماز عیدین در صحرا و خارج از مسجد مسقف به اجماع همه مسلمین استدلال کرده است (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۱۴۱). همچنین در مسئله جواز تقصیر نمازهای چهار رکعتی در مسافرت نیز به عدم خلاف میان مسلمین استناد نموده است (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۴۹).

اجماع اهل بیت علیهم‌السلام: در مسئله تحریم قرائت عزایم بر جنب و حائض (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۳۵) و اجزاء غسل جنابت از حدث اکبر و اصغر و عدم نیاز به وضو (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۴۴) به اجماع اهل بیت علیهم‌السلام تمسک کرده است.

اجماع علمای اسلام: در فروعی همچون وجوب کفایی دفن مسلمان (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۸۸)، تحریم استمتاع از قبل زوجه در زمان حیض (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱،



ص ۲۶۴) و شروع وقت نماز ظهر با زوال خورشید (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۰۰) از تعبیر اجماع علمای اسلام بهره برده است.

اجماع علمای شیعه: علامه در مسائلی مانند طهارت مکان مصلی از نجاستی که امکان تعدی آن وجود دارد (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۰۰)، اشتراط ستر عورت در نماز (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۴۴) و نبود قرائت در نماز بر میت (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۷۳) از تعبیر اجماع علمای شیعه و تعبیر مشابه استفاده کرده است. شایان ذکر است که در مواردی که علامه به اجماع استناد نموده، در کنار آن به ادله نقلی قرآنی و روایی دیگر نیز توجه داشته و استناد به اجماع در نزد وی به منظور اقناع سازی و تکمیل سایر ادله بوده است؛ بررسی ها نشان می دهد که علامه در هیچ فرع فقهی به طور مستقل به اجماع بسنده نکرده است.

۲-۲. اجتهاد مبتنی بر عقل قطعی (عقل منبعی و استقلالی)

یکی از ویژگی های بارز روش اجتهادی علامه حلی، حجیت عقل قطعی و منبعی یا استقلال در مقابل عقل ابزاری و غیر استقلالی - در کشف حکم شرعی است. برخلاف مبانی اهل سنت که اجتهاد با هدف تحصیل ظن برای کشف حکم شرعی صورت می گیرد، در مبانی امامیه حد فاصل دقیقی میان استناد به ظنون غیر معتبر و عقل قطعی وجود دارد. روش فقه های شیعه و اصولیون بر اصالت عدم حجیت دلیل ظنی استوار است؛ به گونه ای که اگر یک فقیه در یک فرع فقهی یا اصولی به قطع عقلی برسد، بی گمان برای او حکم ساز خواهد بود.

با بررسی تذکره به دست می آید که علامه حلی در نقد مبانی مخالفین در موارد متعددی به حکم قطعی و یا فطری عقلی استناد کرده است، که برخی از آن موارد عبارت اند از:

۱. عدم جواز اعتماد به ظن در صورت تمکن از علم در احراز دخول وقت نماز، به دلیل قبح سلوک بر طبق طریقی که ایمنی از ضرر ندارد، در حالی که طریق یقینی مؤمن از ضرر ایمن است (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۸۱).

۲. قبیح بودن تکلیف غیر عاقل (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۹۹).



۳. اشتراط تقدّم افضل اهل زمان بر دیگران به دلیل قبح تقدیم مفضول بر فاضل و افضل (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۳۹۷).

۴. قبیح بودن تکلیف غیر قادر در مسئله اشتراط حج به استطاعت (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۴۹).

۵. قبح عقلی تصرف در مال غیر بدون اذن او (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۶، ص ۶۰).

۶. حکم عقل به قبح سلوک طریقی که ایمنی از ضرر ندارد در صورت وجود طریقی که یقین به نبود ضرر دارد (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۸۱).

علاوه بر حجّیت حکم عقل قطعی، علامه در موارد متعدّدی مبنای اجتهاد و استناد به ادله شبه عقلی ظنی مانند قیاس و استحسان را ردّ کرده است. با جستجو در عبارات مختلف تذکره می توان موارد زیر را برشمرد:

۱. ردّ قیاس نماز استسقاء به دعا برای اثبات عدم جواز برعکس پوشیدن لباس در آن از سوی حنفیه (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۱۷).

۲. نفی اجتهاد و استحسان از سوی رسول الله ﷺ در تثویب اذان و تأکید بر

تبعیت مطلق پیامبر از وحی الهی در احکام (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۹).

۳. ردّ قیاس و تشبیه ابن سبیل به فرد غنی در سرایت حکم حرمت استفاده از صدقه از سوی شافعی (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۸۳).

۴. ردّ علت شمردن و قیاس ظنی از سوی احمد در صرف شمارش حیوان - گاو و گوسفند و ... - زیر یک سال برای تعلق زکات در قیاس با مادر آن (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۵۵).

۵. ردّ قیاس و تعلیل ظنی نبود حق قبض در صدقه فطره برای قیاس با صدقه های مستحبی از سوی حنفیه (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۶۲).

۲-۳. احتیاط و کاربست های آن در اجتهاد

یکی از مهم ترین ویژگی های روش اجتهادی علامه در تذکره الفقهاء، استناد و احتجاج به احتیاط برای اثبات حقانیت فقه امامیه در مقابل سایر مذاهب اسلامی است. با بررسی های صورت گرفته روشن می شود که تعامل علامه با احتیاط به دو شکل زیر است:



سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

یک: کار بست احتیاط به عنوان متمم دلیل در استدلال فقهی: در این روش علامه احتیاط را در طول ادله قرآنی، روایی و عقلی مطرح می کند و از آن به عنوان متمم دلیل در استدلال فقهی خود برای اقناع ذهن مخاطب استفاده می کند. برای مثال در مسئله دوران امر بین وجوب و یا استحباب غسل مس میت، قول به استحباب به دلیل منافات با احتیاط کنار گذاشته شده است. (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۳۴) یا اینکه در مسئله شک در راکع یا رافع بودن امام جماعت، احتیاط را بر دلیل استصحاب ترجیح داده است (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۵).

دو: حسن احتیاط شرعی و عقلایی برای تحصیل واقع و دوری از اقتحام فی المهلكة: علامه در تذکره بارها با استناد به حسن احتیاط شرعی و عقلی، سعی در تقویت مبانی اجتهادی امامیه و ترجیح قول شیعه دارد. از میان این موارد می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. حسن احتیاط در وجوب غسل مرفقین در وضو (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۵۸)؛
۲. حسن احتیاط در اتخاذ مدت ده روز در مقابل قول به ۱۸ روز برای حداکثر زمان نفاس (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۲۸)؛
۳. احتیاط شرعی در ترک تکتف در نماز به دلیل عدم اختلاف در صحت نماز بدون تکتف و با دست باز (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۹۵)؛
۴. احتیاط در روزه گرفتن یوم الشک روز آخر ماه شعبان با روز اول ماه مبارک رمضان (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۷)؛
۵. احتیاط در استمتاع جنسی و لزوم اجرای صیغه طلاق نسبت به زن مستحاضه متحیره (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۰۹)؛

نتیجه گیری

با بررسی مبانی اجتهادی علامه حلی در اعتبارسنجی ادله و حجج شرعی، می توان نتایج زیر را به دست آورد:

۱. علامه حلی در استناد به ظواهر آیات قرآن محدودیتی که برخی از اخباریون و حشویه اهل سنت قائل اند، نمی پذیرد و در موارد متعدد از ظاهر قرآن برای کشف



حکم شرعی استفاده کرده است. این رویکرد نشان‌دهنده اعتماد عمیق ایشان به ظاهر نصوص قرآنی به عنوان منبعی معتبر در اجتهاد است.

۲. در نقد روایات، علامه حلی شیوه‌ای متفاوت از اهل سنت دارد؛ وی تضعیف صدور روایات را بیشتر بر اساس قرائن و تجمیع ظنون می‌داند تا صرفاً ضعف سند. مواردی همچون مخالفت روایت با حقایق تاریخی، تنافی با آیات قرآن، تعارض با روش حکیمانه قانون‌گذاری شرعی و اعراض از عمل به روایت، از مهم‌ترین عوامل تضعیف صدور روایت به شمار می‌آید.

۳. برخلاف دیدگاه‌های رایج مبتنی بر وثاقت راوی یا اعتبار صرف سند، علامه حلی تحلیل روایت را در بستر حقایق تاریخی و وجود آن در کتب معتبر و مشهور حدیثی اساس وثوق به صدور روایت می‌داند. این رویکرد تأکیدی بر تحلیل محتوایی و تاریخی روایت است و وثاقت صرف سند را کفایت نمی‌کند.

۴. اقوال و آثار صحابه در روش علامه حلی حجیت مستقل برای کشف حکم شرعی ندارد، مگر آنکه با وجود قرائن محکم، کشف حکم از قول معصوم علیه السلام احراز شود؛ بدین معنی که اعتبار آنها تابع ارتباط و تطابق با معصوم است.

۵. برخلاف مبانی اهل سنت، علامه حلی در مواجهه با ادله غیرلفظی مانند اجماع و احتیاط، آنها را نه به عنوان دلیل مستقل بلکه به عنوان ادله تکمیلی و برای اقناع اندیشه در چارچوب قواعد جدال احسن به کار می‌برد. این رویکرد نشان‌دهنده اولویت قوی ادله نقلی و عقلی قطعی در اجتهاد ایشان و جایگاه ادله غیرلفظی در تکمیل و تقویت استدلال‌های اصلی است.

این جمع‌بندی بیانگر روش دقیق، منسجم و متکامل علامه حلی در اجتهاد و اعتبارسنجی ادله است که با رویکردهای متفاوت اهل سنت و برخی مکاتب فقهی دیگر تمایز قابل توجهی دارد و می‌تواند مبنایی مهم برای تحقیقات علمی در حوزه اصول و فقه مقارن و مبانی اجتهادی شیعه فراهم آورد.



فهرست منابع

- قرآن كريم

١. ابن جوزى، عبدالرحمن بن على (١٤٠٦)، الضعفاء والمتروكين، بيروت، دار الكتب العلمى.
٢. ابن عدى جرجانى، ابواحمد (١٤١٨)، الكامل فى ضعفاء الرجال، تحقيق: عادل أحمد عبدالموجود و على محمد معوض، بيروت، الكتب العلمية.
٣. ابن عدى جرجانى، عبدالله (١٩٨٨)، الكامل فى ضعفاء الرجال، تحقيق يحيى مختار غزاورى، بيروت، دارالفكر.
٤. بيهقى، احمد بن الحسين (١٤١٤)، سنن البيهقي الكبرى، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، مكه، مكتبة دار الباز.
٥. علامة حلى، حسن بن يوسف بن مطهر (١٤١٤)، تذكرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
٦. علامة حلى، حسن بن يوسف بن مطهر (١٤١٢)، منتهى المطلب فى تحقيق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الاسلاميه.
٧. خطيب بغدادى، احمد بن على (بى تا)، الكفاية فى علم الرواية، تحقيق: أبو عبدالله السورقي و ابراهيم حمدى المدنى، المدينة المنورة، المكتبة العلمية.
٨. دارقطنى بغدادى، على بن عمر (١٣٨٦)، سنن الدارقطنى، تحقيق: السيد عبد الله هاشم يمانى المدنى، بيروت، دار المعرفة.
٩. سخاوى، محمد بن عبدالرحمن (١٤١٨)، التوضيح الأبهى لتذكرة ابن الملقن فى علم الأثر، دراسة وتحقيق: عبد الله بن محمد عبد الرحيم، الطبعة الأولى، مكتبة أضواء السلف.
١٠. سخاوى، محمد بن عبدالرحمن (١٤٠٣)، فتح المغيث شرح ألفية الحديث، بيروت، دار الكتب العلمية.
١١. شيبانى، ابوبكر بن ابى عاصم (١٤١١)، الأحاد و المثانى، تحقيق: د. باسم فيصل أحمد الجوابرة، رياض، دار الراية.
١٢. شيبانى، احمد بن حنبل (١٤٢٠)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقيق: شعيب الأرنؤوط وآخرون، بيروت، مؤسسة الرسالة.
١٣. شيبانى، احمد بن حنبل (بى تا)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، القاهرة، مؤسسة قرطبة.
١٤. طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن (١٣٩٠)، الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، طهران، دار الكتب الاسلامية.
١٥. علامة حلى، حسن بن يوسف (١٤٢٥)، نهاية الوصول إلى علم الأصول، قم.
١٦. موصلى تميمى، احمد بن على (١٤٠٤)، مسند أبى يعلى، تحقيق: حسين سليم أسد، دمشق، دار المأمون للتراث.
١٧. نائنى، محمد حسين (١٣٥٢ ش)، أجود التقريرات، قم.
١٨. نيشابورى، محمد بن عبدالله حاكم (١٤١١)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية.

